

تحلیل شکل‌گیری واحدهای همسایگی به عنوان محور تشکیل و توسعه شهرهای ترکمن نشین مطالعه موردی: شهر آق قلا

جعفر میرکتولی: دانشیار جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه گلستان، گرگان، ایران*

چکیده

واحد همسایگی مورد توجه بسیاری از شهرسازان و محققین است. این توجه ناشی از مفهوم واحد همسایگی در شکل‌گیری اجتماعات محلی با توجه به شاخص‌های مختلف اجتماعی، اقتصادی و کالبدی است. هدف تحقیق حاضر بررسی نحوه‌ی شکل‌گیری واحدهای همسایگی در شهر ترکمن نشین آق قلا، و تاثیر هر یک از شاخص‌های اجتماعی، فرهنگی،... را در این فرآیند است. روش تحقیق از نوع توصیفی - تحلیلی است. اطلاعات مورد نیاز به دو صورت اسنادی و میدانی گردآوری شده است. جامعه آماری، دو محله در بافت قدیم و جدید است. حجم جامعه آماری ۷۹۷۳ و حجم نمونه ۳۲۰ نفر سرپرست خانوار است، دسترسی به نمونه‌ها نیز با روش تصادفی سیستماتیک انجام گرفت. نتایج حاصل از آزمون نشان داد که در تشکیل واحدهای همسایگی و ایجاد محلات با بافت قدیم و جدید عوامل فرهنگی و اجتماعی نقش داشته‌اند. نتیجه نهایی تحقیق نشانگر تفاوت نحوه شکل‌گیری و نوع بافت شهرهای ترکمن نشین ناشی از تفاوت در ساختارهای اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی این جامعه است. و این تمایز، واحدهای همسایگی متفاوتی را در مقایسه با سایر شهرهای منطقه و کشور از برخی جهات رقم زده است. پیشنهاد برآمده از این تحقیق تاکید بر برنامه ریزی مبتنی بر دیده شدن ارزشهای محلی و سنتی در برنامه ریزی و طراحی شهری این قلمرو از کشور است. واژه‌های کلیدی: واحدهای همسایگی، شهرهای ترکمن نشین، آق قلا

۱- مقدمه

۱-۱- طرح مسأله

قبل از انقلاب صنعتی، محلات شهری رشدی بطئی و تدریجی داشتند و ضمن حفظ ارزش‌های طبیعی، اجتماعی و کالبدی خود، به نیازهای نسبتاً ثابت ساکنین پاسخ می‌دادند. با شروع انقلاب صنعتی و مهاجرت فزاینده به شهرها، افزایش جمعیت و افزایش آلودگی‌های محیطی، اختلالات زیادی در محلات به وجود آمد. شهرسازی متجدد در آغاز واکنشی به شرایط عینی و کالبدی شهرهای صنعتی قرن نوزدهم بود. مکتب مدرنیسم در راستای قطع با گذشته، تاریخ و زمان نگاه می‌کند و فقط و فقط به مسائل معماری می‌پردازد (رفیعیان و همکاران، ۱۳۸۹: ۳). بعد از انقلاب صنعتی در کشورهای غربی، با تغییرات گسترده در نظام‌های اجتماعی و اقتصادی، ساختار فضایی و اجتماعی شهرها نیز دگرگون شد، در نگرش به مفهوم شهر و حل مشکلات به وجود آمده برای جامعه ساکن در شهر، اندیشمندان متعددی به بیان ایده‌ها و اندیشه‌های خود برای جامعه آرمانی پرداختند. از جمله مجتمع‌های زیستی پیشنهاد گردید که ترکیبی از فضاهای کار و زندگی بود. چنین مجتمع‌های زیستی سعی داشت بین محدوده مسکونی و خدمات مربوط نوعی پیوستگی و همبستگی ایجاد نماید و معیارهای اصلی در طراحی آن‌ها برابری اجتماعی، مشارکت مردم و روح اجتماعی جمعی بود و برخی از آن‌ها نیز به اجرا درآمد ولی به دلیل بی‌محتوایی درونی و آرمان‌گرایی افراطی با عدم موفقیت روبه‌رو شد. چنین الگوهای کالبدی در ارتباط با تأمین نیازها و خدمات مردم ساکن سعی در ایجاد یک جامعه محلی داشت و به نوعی تأثیر خود را در سال‌های بعد در الگوهای ارائه

شده برای محله نشان داد (Rohe; 2009,112). یکی از معروف‌ترین اندیشمندان در این زمینه «کلرنس پری» بود که نظریه واحدهای همسایگی^۱ (محله برنامه‌ریزی‌شده) را مطرح نمود. او محلات سنتی را یکی از پایه‌های برنامه‌ریزی شهرهای جدید، محدوده‌های شهری و گسترش مجدد آن‌ها معرفی کرد (همان). این نگرش به مفهوم محله^۲ که در راستای تأمین نیازها و خدمات ساکنین است، محله را به عنوان بلوک اصلی شکل‌دهنده ساختار شهرها و یکی از عناصر اصلی تقسیمات کالبدی شهری در نظر می‌گیرد. از به هم پیوستن چند واحد محله، ناحیه و به همین ترتیب مناطق، شهر ایجاد می‌شود که هرکدام از این تقسیمات شهری به صورت سلسله مراتبی خدمات در رده‌های مهم‌تر و تخصصی‌تر را تأمین می‌کنند؛ بنابراین واحد همسایگی محرکی برای تفکیک شهرها به تعدادی از واحدهای ساختاری است که با ابعاد متفاوت یک نظام سلسله مراتبی را به وجود می‌آورند (فری، ۱۳۸۳: ۵۸). با توجه به تغییرات شگرف ایجاد شده در شیوه زندگی، ساختار محلات نیز با تغییرات اساسی و عمده‌ای مواجه گردیده است؛ بنابراین در مطالعه حاضر سعی بر آن است تا به بررسی و تحلیل روند شکل‌گیری مفهوم واحد همسایگی در شهر ترکمن نشین آق‌قلا که از شهرهای با سابقه و ریشه‌دار استان گلستان و منطقه ترکمن صحرا است، پرداخته شود.

۱-۲- ضرورت تحقیق

رشد فزاینده ابعاد شهرنشینی و شکل‌گیریمقیاس‌های جدیدی از رشد شهری در طی چند دهه اخیر موجب شده است که شهر و شهرسازی معاصر با چالش‌های نوینی مواجه گردد. به دلیل گستردگی

^۱ -Neighbourhood units

^۲ -Quarter

وارد فرهنگ شهرسازی ایران شده است ولی با بررسی واحد همسایگی و محله در می‌یابیم که واحد همسایگی علیرغم اینکه در فرهنگ شهرسازی ما وارد گردیده، اما در عمل و اجرا نتوانسته به جایگاه شایسته‌ی خود برسد. این عدم موفقیت تجربی و عملی واحد همسایگی در شهرسازی کشور ما باعث دلسردی بسیاری از شهرسازان برنامه‌ریزان شهری گردید. (شیرانی، ۱۳۸۲: ۱۴۹) لذا می‌طلبد که در این زمینه تحقیقات جامعی صورت گیرد تا بتوان از این مقوله به نحو احسن استفاده کرد. بنابراین در مطالعه حاضر سعی بر آن است تا محله‌ها را براساس واحدهم‌سایگی مورد مطالعه قرار داده و رابط بین واحدهای همسایگی رابا ویژگی‌های اجتماعی- فرهنگی و اقتصادی و محیطی- کالبدی مورد مطالعه و بررسی قرار دهیم.

۱-۳- پیشنهاد تحقیق

در زمینه‌ی واحدهای همسایگی تحقیقات نسبتاً زیادی صورت گرفته که در زیر به گزیده‌ای از این مطالعات اشاره می‌شود:

اردشیری، مهیار (۱۳۸۷) در مقاله‌ای با عنوان مروری بر مفهوم واحد همسایگی از محلات کهن خودبسنده تا همستان‌های دروازه‌دار نوین به بررسی مفهوم واحد همسایگی و حصول درکی کلی از این مفهوم در شهرسازی از طریق بررسی پیشنهادی و رویکردهای نوین از منظر توسعه‌ی پایدار، خودبستگی و همستان‌های دروازه‌دار پرداخته است. وی در این تحقیق به این نتیجه می‌رسد که واحد همسایگی به عنوان یکی از سطوح تقسیمات شهری در قالب سلسله مراتب خدمات با ملزوماتی در حوزه‌ی راه و دسترسی تلقی می‌شود که با پرداختن به جنبه‌های بصری و ارتقا مطلوبیت محیطی می‌تواند به پایداری

ابعاد و تغییر در ماهیت مسائل شهری و پیچیدگی این مسائل، جامع‌نگری و توجه به ابعاد و جنبه‌های مختلف مسئله به منظور حل پایدار آن‌ها را اجتناب‌ناپذیر ساخته است. در این میان توجه و تأکید بر برنامه‌ریزی و مدیریت شهرها، بیش از هر زمان دیگری به سطوح پایین‌تر و ابعاد ملموس زندگی شهری متوجه شده است (Friedman, 1993:233)؛ چنانکه پژوهش‌ها و مطالعات زیادی در یکی دو دهه اخیر صورت گرفته است که همه به نوعی سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی و مدیریت شهری را از خردترین واحد؛ یعنی «محله» در شهر هدف قرار داده است (Madanipour, 2003: 24).. آموختن از تجارب قبلی و نگرش سنتی «بالا به پایین»، الگویی را به دست می‌دهد که تا حد زیادی متکی بر رهیافتی متفاوت از گذشته بوده و آن رویکرد «پایین به بالا» است؛ تغییر از یک نگاه «تجویزی به مشارکتی»، از تأکید بر نتیجه (محصول) به تمرکز بر فرایند (رویه)، از وابستگی به منابع موجود به «ظرفیت‌سازی»، از توجه به راه‌حل‌های «دولت محور» به شیوه‌های حل مسئله با تأکید بر ابتکارات جامعه مدنی و از مساعدت و همیاری به مشارکت واقعی و ویژگی‌های این الگوی جدید توسعه است، الگویی که تأکیدی بنیادین بر نقش مردم، اجتماعات محلی و جامعه مدنی دارد (Oana, 2001: 1-3). ظهور و گسترش مفهوم «واحدهای همسایگی» در نظام شهرسازی نوین را می‌توان نتیجه این تفکر و رویکرد دانست. واحد همسایگی در واقع توسط کلرنس پری برای ساماندهی نظام ازهم‌گسیخته شهرهای صنعتی مطرح گردید که به تدریج جایگاه ویژه‌ای را در تئوری‌های برنامه‌ریزی شهری و شهرسازی پیدا کرد به طور کلی واحد همسایگی چند سالی است که

میناکشی (۲۰۱۱) در مقاله با عنوان واحد همسایگی و مفهوم آن در متن شهرسازی معاصره بررسی شاخص‌های ایجاد واحدهای همسایگی می‌پردازد. وی معتقد است واژه ی همسایگی را غالباً در زمینه‌های سنتی و توسعه‌ی مسکونی معاصر ارجاع می‌دهند. حال آنکه واحدهم‌سایگی در بافت شهری هم از نظر فیزیکی و هم از لحاظ اجتماعی شکل گرفته است. و مفهوم واحدهم‌سایگی به خوبی به عنوان یک واحد اساسی در برنامه ریزی شهری اثبات شده است. علاوه براین در ذهن غالب مردم یک عنصر و شاخص محبوب و قابل قبول اجتماعی است. از این رو واحد همسایگی به نماد و وسیله‌ای برای حفظ ارزش‌های اجتماعی و فرهنگی تبدیل شده است. و در مراکز شهری به طور فزاینده‌ای در حال حرکت است. و باعث افزایش و بهبود شاخص‌های اجتماعی و فرهنگی شده است.

۲- مبانی نظری

بررسی تاریخ شهرنشینی ایران نشان می‌دهد در شهرهای تاریخی ایران، شالوده سازمان فضایی-کالبدی و اجتماعی شهر بر نظام محله‌بندی استوار بوده است و محله به عنوان واحد پایه‌ای و نظم‌دهنده از ساختار فضایی و اجتماعی شهر، آنچنان تأثیری در شکل‌گیری شهر داشته که شهرها براساس وجود محله‌ها تعریف می‌شده‌اند (فلامکی، ۱۳۷۴: ۱۳۱). عوامل متعددی مانند عوامل فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، تاریخی، جغرافیایی-اقلیمی، دفاعی-نظامی می‌توانست موجب پیدایش تجمع گروه‌های انسانی در جهت تامین نیازهای مشترک زندگی آنها در قلمرو فضایی مشخص و دارای مرزها و حدود معین کالبدی شود و به این ترتیب مفهوم محله تجلی کالبدی و عینیت یابد

آتی دست یابد همین دلیل کفایت که از واحد همسایگی به عنوان ابزاری ارزشمند در برنامه‌ریزی شهری در راستای انسجام‌بخشی به کل شهر بهره گرفته شود. وی در این مقاله به این نتیجه می‌رسد که TOD با رویکرد جدید و متفاوت از دیدگاه‌های سنتی به شهر، با رعایت چهار اصل توسعه‌ی فشرده، اختلاط مناسبی از کاربری‌ها، پیاده‌مداری، تامین تسهیلات حمل‌ونقل و جابجایی در الگوی توسعه‌ی واحدهای همسایگی مجاور ایستگاه‌های حمل‌ونقل عمومی، نقطه‌ی شروعی را در پایان دادن به مشکلاتی که بسیاری از شهرها با آن دست به گریبان بوده‌اند نویدمی‌دهد.

لک، آزاده (۱۳۸۵) در مقاله‌ی خود با عنوان طراحی واحدهای همسایگی با ارتقا فعالیت فیزیکی، ارتباط میان طراحی محله و فعالیت فیزیکی را هم در کودکان و هم بزرگسالان بررسی کرده و در نهایت پیشنهادات اولیه در طراحی فرم محله که فعالیت فیزیکی خانواده‌ها را ارتقا می‌دهد ارائه می‌دهد. در این گام میزان سازگاری میان ترغیب محیطی بزرگسالان به فعالیت فیزیکی در بزرگسالان و کودکان بررسی شده است. نتایج به دست آمده نشان دهنده‌ی تفاوت قابل ملاحظه‌ای است. مکان‌های بازی در خارج از خانه در واحدهای همسایگی سنتی که در کوچه‌های بن‌بست قرار دارند امنیت بیشتری برای کودکان دارد. در مقایسه نتایج به دست از پاسخ‌های افرادی که در بن‌بست‌ها زندگی می‌کنند، به نسبت آنان که در مکان‌یابی بدون سلسله مراتب زندگی می‌کنند، میزان پیاده‌روی برای کسانی که در کوچه‌های بن‌بست زندگی می‌کنند نسبت به واحدهای همسایگی واقع در حاشیه‌ی شهرها بیشتر است اما میزان سفر خرید برای این افراد کمتر است.

محله از عناصر تشکیل‌دهنده‌ی ساختار شهری است که عمدتاً متشکل از خانه‌ها، بوستان‌ها، مدارس و گروه‌های کوچکی از کاربری‌های تجاری است (بصیری مزده‌ی، ۱۳۸۸: ۱۲۶).

واحد همسایگی: مفهوم واحد همسایگی از دیدگاه کلرانس پری: عنوان واحد همسایگی، واژه‌ای است که به طراحی آرایش‌های ممکن در مجتمع‌های مسکونی می‌پردازد. تحقیقات نشان می‌دهد که مجتمع‌های مسکونی، با تامین نیازهای زندگی خانوادگی، دارای بخش‌های مشابه و عملکردهای مشابه با یکدیگرند. در سیستم واحد همسایگی، این عناصر به صورت یک کل واحد طبیعی در کنار یکدیگر قرار می‌گیرند. این طرح به عنوان چارچوب یک مجتمع نمونه و نه به عنوان یک طرح مشروح و دارای جزئیات مطرح می‌گردد. ادراک واقعی آن به عنوان یک پروژه‌ی خاص در محدوده‌های واقعی نیازمند وجود لوازم، تسهیلات و ترتیباتی است که توسط برنامه ریز، معمار و سازنده می‌تواند به آن داده شود. اصل حاکم بر این طرح آن است که واحد همسایگی شهری باید به طور همزمان به عنوان عنصری برای کل بزرگ‌تر و به عنوان یک موجودیت مشخص در نظر گرفته شود (پری، ۱۹۲۹: ۲۲).

- اجتماع همسایگی^۱: اصطلاح اجتماع سه معنای متفاوت دارد: معنای اول اصطلاحی است مرتبط با وضعیت مکانی (توصیف مناطق محصور نظیر دهکده، شهرک مسکونی و ...). معنای دوم که بار جامعه‌شناختی دارد به درجه‌ای از روابط داخلی مردم محلی و نهادهای اجتماعی اشاره می‌کند که سطحی از یکپارچگی یا روابط دوجانبه اجتماعی را به همراه دارد و می‌توان آن را نظام اجتماعی

(سلطان‌زاده، ۱۳۶۷: ۱۲۲؛ توسلی، ۱۳۷۱: ۶۸؛ حبیبی، ۱۳۸۰: ۴۸).

محله: محله را از دیدگاه‌های مختلف می‌توان تعریف و طبقه‌بندی نمود. در یک طبقه‌بندی کلی محله را می‌توان بر مبنای جنبه‌های اداری (به وسیله‌ی رسمیت اداری)، زیباشناختی (به وسیله‌ی رسمیت تاریخی و زیباشناسی عصر و دوره‌ی توسعه)، اجتماعی (به وسیله‌ی رسمیت اداری شهروندان محلی)، کارکردی (به وسیله‌ی حوزه‌ی نفوذ خدمات محلی) و محیطی (به وسیله‌ی نواحی آرام ترافیکی که با جریان‌های ترافیکی احاطه شده و کیفیت و ایمنی محیطی زندگی در آن اولویت دارد) تعریف نمود (بارتون، ۲۰۰۴: ۴۴). محله در لغت‌نامه‌ی دهخدا کوی، برزن و یک قسمت از چندین قسمت شهر یا قریه و یا قصبه معنی شده است. بنا به عقیده‌ی دهخدا، در ترکیبات زیر، واژه‌ی محله، به آبادی مستقلی دلالت می‌کند نه بر قسمتی از آبادی (دهخدا، ۱۳۵۱: ۹۱). در ایران محله، مکان سکونت و اشتغال ۱۲۵۰-۷۰۰ خانوار با دامنه‌ی نوسان شعاع دسترسی پیاده (۵-۴ دقیقه) تعریف می‌شود. در این تعریف محله دارای عناصر اصلی است که در شکل‌گیری آن نقش تعیین‌کننده‌ای دارند. این عناصر در دو سطح عناصر شاخص (نظیر مدرسه و مسجد) و عناصر توزیعی (نظیر مراکز تجاری روزانه-هفتگی، پارک محله، مکان‌های ورزشی و واحدهای بهداشتی) استخوان‌بندی محله را تشکیل می‌دهند (سلطان‌زاده، ۱۳۶۸: ۵۶). محله حوزه‌ی تصویری است که شهروند از ظاهر، عملکرد و یا معنای یک مجموعه‌ی فضایی در ذهن خود ایجاد کرده و دارای شخصیت کالبدی- فضایی مختص به خود است (پاکزاد، ۱۳۷۰: ۱۱۸). بصیری (۱۳۸۸) معتقد است

^۱ -neighbourhood community

یک قلمرو همسایگی از قلمروهای دیگر شامل مرز جغرافیایی، ویژگی‌های قومی یا فرهنگی ساکنان احساس تعلق بین ساکنان و استفاده مستمر آنان از تسهیلات و اماکن عمومی محل (مغازه، مدرسه، مکان تفریح و ...) است

- فرهنگ^۲ و محله: فرهنگ مجموعه‌ای از دستاوردهای مادی و معنوی انسان است (پلگرینو، ۱۹۸۳: ۱۷۵) که به تدریج در درون اعضای جامعه نفوذ کرده و الگوهای فضایی را شکل می‌دهد (امبرت دولار، ۱۹۸۲: ۲۵۸). فرهنگ مجموعه‌ای از الگوهای تفهم و تفکر انسانی (کی سر، ۱۹۷۹: ۱۱) هویت اجتماعی و شخصیت اساسی جامعه است که بدون شک حاصل تضادها و سرمایه‌هایی است که بر اثر آن هویت جدید شکل می‌گیرد (پلگرینو، ۱۹۸۳: ۸۰). فرهنگ یک اصطلاح دارای بار ارزشی است. طبق این تعریف فرهنگ می‌تواند شامل سیستم‌های فن‌آوری عمومی، موسسات علی، ورزش‌های تفریحی، فعالیت‌های میراثی و هنری و فعالیت‌های مذهبی و معنوی باشد (فاضل نیا و همکاران، ۱۳۸۹: ۳). در واقع فرهنگ ارزش‌ها و هنجارهای سیستمی است که در بین افراد جامعه وجود دارد و فعالیت‌های اقتصادی خود را نشان می‌دهد (اکبریان، ۱۳۸۶: ۱۹). به طور کلی فرهنگ، شهر و محله سه پدیده‌ی مکمل هستند. هرکدام دیگری را تکمیل و بدون دیگری نیز معنا و مفهوم ندارد؛ به عبارت دیگر هر سه پدیده‌های انسانی را تکمیل می‌کنند. شهر و محله صورت است و فرهنگ محتوای آن است. یکی جنبه‌ی خرجی و دیگری جنبه‌ی داخلی دارد (ربانی، ۱۳۸۵: ۲۲). معیار محله بیشتر اجتماعی و فرهنگی است؛ زیرا محله با نظم

محلی نامید. معنای سومنوعی همبستگی انسانی است که به گونه‌ای از روابط اجتماعی مرتبط پیوندهای خصوصی و احساس تعلق اشاره دارد و لزوماً با مجاورت جغرافیایی همراه نیست. نظیر اجتماع فرقه‌ها. در اینجا اجتماع همسایگی را می‌توان در قالب معنای دوم در نظر گرفت، هر چند که در ابتدا شکل‌گیری مفهوم همسایگی یک اجتماع جغرافیایی است که خانوارهای آن لزوماً در مجاورت فیزیکی با یکدیگر قرار دارند، اما به لحاظ بررسی محتوای عناصر شبکه همسایگی بیشتر معنای دوم که بار جامعه‌شناختی دارد، مدنظر است (صدیق سروستانی و دیگران، ۱۳۸۹: ۱۹۸).

روابط همسایگی^۱

وبر (۱۹۲۲) همسایگی را عبارت از روابط متقابل اجتماعی مبتنی بر مساعدت‌های متقابل در وضعیت‌های مختلف اضطراری و بحرانی می‌داند (وبر: ۱۹۲۲ به نقل از صدیق سروستانی). چارلز کولی همسایگی را به عنوان یک گروه نخستین می‌داند که روابطی صمیمانه، عمیق و مبتنی بر منفعت جمعی بر آن حاکم است. سوزان کلر (۱۹۶۸) در کتاب همسایگی شهری، همسایگی را منطقه‌ی جغرافیایی می‌داند که همسایگان در آن سکونت دارند و فعالیت‌های همسایگی در آن انجام می‌گیرد. این منطقه ممکن است محدوده‌ی مشخص با مرزهای کاملاً معین و آداب‌ورسوم قدیمی و ریشه‌دار یا بخش متغیر و تقریباً نامشخص از یک شهر کوچک یا بزرگ باشد که مرزهای نسبتاً مبهمی دارد و ساکنان آن برداشت‌های متفاوتی از حدود و نقوش دارند (صدیق سروستانی، ۱۳۸۹: ۶۳). از نظر کلر عوامل تمایز و تشخیص محدوده

²-Culture

¹-Neighbourhood relations

است. اقتصاد مشارکتی به حقوق و تعهدات غیر رسمی امکان می‌دهد تا در شبکه‌ی مزیت‌ها و پیوندهای متقابل گسترش یابند. (خاوری، ۱۳۹۰: ۲۸۴)

کالبد^۲ و محله: هویت کالبدی به معنای صفات و خصوصیتی است که جسم شهر را از غیر متمایز کرده و شباهتش را با خودی آشکار می‌کند. این صفات باید به گونه‌ای باشند که جسم شهر در عین حفظ تداوم زمانی، در حال تحول و تکامل نیز باشد و نهایتاً به پیدایش یک کل منجر شود. هویت کالبدی از نظر مفهومی با اصطلاحات «شخصیت» و «حس مکان» مترادف است (میرمقتدایی، ۱۳۸۳: ۲۹). لینچ در رابطه با استمرار و پیوستگی کالبدی مکان‌های شهری به این نکته اشاره می‌کند که پیشرفت با تغییر و تحول آمیخته است. وی معتقد است، فراهم‌نیاروندن شرایط تغییر و تحول نه تنها زمینه وقوع حوادث و مناسبت‌های مختلف را غیرممکن می‌سازد، بلکه از پیشرفت نیز جلوگیری می‌کند (لینچ، ۱۹۸۴: ۴۵۱). محله به‌سان شهری کوچک برآیندمجموعه‌ای از نیروهای سیاسی، اداری، دینی، مذهبی، اقتصادی و فرهنگی و اجتماعی بود که به‌واسطه‌ی آن خود را اداره می‌کرد و چه‌بسا بسته به احوال ساکنانش و همچنین شرایط حاکم بر جامعه‌ی شهری می‌توانست فضای کالبدی شهر را تغییر دهد اشتراک این نیروها در عموم محله‌های شهر کارکردهای یکسانی را به دنبال داشت که مقوم بقای محله محسوب می‌شد. به عبارت دیگر کارکردهای گوناگون محله انعکاس‌عامل یا عوامل متعددی بود که موجب شکل‌گیری محله در شهر می‌شد؛ بنابراین بررسی کارکردهای نظام محله

اجتماعی و فرهنگی شکل می‌گیرد و در بسیاری از سازمان‌های شهری امروزی شاهد فعالیت‌های اجتماعی و الگوهای زندگی محله‌ایهستیم (ربانی، ۱۳۸۵: ۱۵۵) می‌توان ارتباط فرهنگ، شهر و محله را به‌سانچرخه‌ای متصور کرد که هر سه مکمل یکدیگر هستند و نبود یکی موجب نقص در جامعه می‌شود.

اقتصاد^۱ و محله: اقتصاد در فارسی به معنای میانه‌روی و متعادل بودن دخل و خرج است و در اصطلاح، تعریف عموماً پذیرفته شده‌ای در میان اقتصاددانان وجود ندارد؛ زیرا تعاریف داده شده در درجه نخست از جامعیت لازم برخوردار نبوده و در ثانی با مسلم فرض کردن موضوعات، این تعاریف به دور باطلی از تعاریف جدید کشیده می‌شود؛ با این همه می‌توان گفت موضوع اقتصاد عبارت است از ثروت (کالاها، خدمات و منابع)، از حیث چگونگی تولید، توزیع و مصرف آن. اقتصاد محله مبتنی بر اقتصاد اشتراکی است که دربرگیرنده مبادلات غیر نقدی کالاها و خدمات است. این اقتصاد در خانواده‌های گسترده و محلات مرسوم است؛ که افراد براساس یک قانون نانوشته با یکدیگر همکاری و مسئولیت کارها را به همسایگان واگذار می‌کنند. اقتصاد اشتراکی محله طیفی از همکاری‌ها و همیاری‌های متقابل از قبیل نگهداری بچه، بریدن چمن‌ها، برداشتن آشغال‌ها و نیز کارهای روزمره‌ی خانوادگی است. اقتصاد اشتراکی، انعکاس‌گر گسترش پیوندهای اجتماعی است. به هنگامی که معنای مشخصی از هویت اشتراکی و این هویت اشتراکی می‌تواند بر مبنای پیوندهای خانوادگی، قومیت، جنسیت، منزلت و درآمد باشد، وجود داشته باشد. این گرایش در قوی‌ترین شکل ممکن خود

²-Framework

¹-Economy

خانه‌های مجاور هم در یک فضای جغرافیایی مشخص تشکیل می‌شود. در دنیای امروز به تبعیت از نیاز به ایجاد یک شهر سالم و به دور از همه‌مه و هیاهوی رفت‌وآمد و جریان زندگی ناشی از ماشین و ایجاد یک فضای اجتماعی در ارتباط با طبیعت، نظریات مختلفی ابراز شده است، اساس این نظریه‌ها بر مبنای تقویت فضای اجتماعی و محله‌ای شهر و استفاده از طبیعت در گونه‌ها و طرح‌های مختلف شهرسازی است. در جدول ۱ به برخی از این تئوری‌ها و نظریه‌ها اشاره شده است.

مرهون شناسایی این عوامل است. عواملی که در شناسایی نقش و کارکردهای محله در ساختار کالبدی شهر و تحلیل مناسبات شهری بسیار کارآمد خواهد بود (بحری مقدم و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۰۶).

نظریه‌های مورد تاکید در این موضوع ویژگی‌های فیزیکی، جمعیتی و نوع ارتباط نزدیک ساکنان آن با یکدیگر و نیز فضای اجتماعی و محیطی مشترک سبب می‌گردد محله‌ها از یکدیگر متمایز باشند. برخی از محققان واحد همسایگی را بنیاد واقعی در محله می‌دانند. از نظر شکویی محله از

جدول ۱: عوامل شکل دهنده محلات براساس نظریات ارائه شده

شاخص‌ها	نظریه
دسترسی به خدمات شهری، مهاجرت، وجود عناصر طبیعی، امنیت، سلامت، اعتماد	باغشهر ابنزهاوارد (۱۹۰۸)
وجود پارک و سایر تفریحات، دسترسی به خدمات شهری	پاتریک گدس (۱۹۱۵)
توجه به نحوه قرارگیری خیابان‌ها و مسکن، میزان دسترسی به خدمات شهری، وجود عناصر طبیعی، امنیت، اعتماد	کلرنس اشتاین (۱۹۰۰)
ایجاد محیط‌های عاطفی، حفظ ارزش‌ها و سنت‌ها، توجه به راه‌ها، تلفیق کاربری‌های مختلف، امنیت، سلامت روان	تئوری سلامت روان (۱۹۶۱)
اصلاح و بهبود مسکن، هماهنگی بین بخش‌های مختلف، جلوگیری از طبقاتی شکل گرفتن جامعه از نظر میزان درآمد،	نظریه اصالت بخشی (۱۹۶۴)
نزدیک کردن عوامل مختلف شکل دهنده محله‌ها، ایجاد انسجام در محله‌ها، مشارکت در محله‌ها	مدیریت شهری (۱۹۷۶)
مشارکت در کارها، اعتماد، امنیت	مشارکت شهری (۱۹۶۰)
ارتباط با سایر ساکنان، مشارکت، اعتماد	ترنر و فیچر (۱۹۷۰)
ارتقاء کیفیت زندگی شهروندان:	مامفورد (۱۹۵۴)
دسترسی به خدمات شهری، ایجاد آرامش و سلامتی، توجه به قشرهای مختلف، مشارکت و اعتماد در کارها، امنیت، اصلاح و بهبود مسکن، وجود عناصر طبیعی	کلرنس پری (۱۹۲۲)
عدالت اجتماعی، استحکام خانواده، ایجاد فضای سبز، توجه به راه‌ها، ساخت منازل وسیع، قومیت	اسلامی

اهداف و روش تحقیق

هدف پژوهش حاضر شناسایی عوامل و متغیرهای موثر بر شکل‌گیری، گسترش و توسعه واحدهای همسایگی و محلات شهری در شهرهای ترکمن نشین به‌ویژه شهر آق‌قلا است. روش تحقیق در این پژوهش از نوع توصیفی-تحلیلی بوده و جامعه‌ی

آماري محلات شهر آق‌قلاست. روش گردآوری اطلاعات کتابخانه‌ای و میدانی انتخاب شد. در روش کتابخانه‌ای، ابتدا اطلاعات لازم با مراجعه به کتاب‌ها، نشریات و سایت‌های مرتبط جمع‌آوری گردید. استفاده از ابزار پرسشنامه جهت جمع‌آوری اطلاعات میدانی استفاده شد. جامعه آماری شامل

معرفی منطقه مورد مطالعه

شهر آق قلا با مساحت ۱۲۸۵.۶ هکتار، در عرض جغرافیایی 36° و $58'$ و طول جغرافیایی 54° و $16'$ در شهرستان آق قلا و به مرکزیت آن در دشتی به نام دشت گرگان واقع شده است. این شهر تا قبل از تشکیل استان گلستان و جدایی آن از استان مازندران جزئی از شهرستان گرگان بوده است (مهندسان مشاور پارت: ۱۳۹۰).

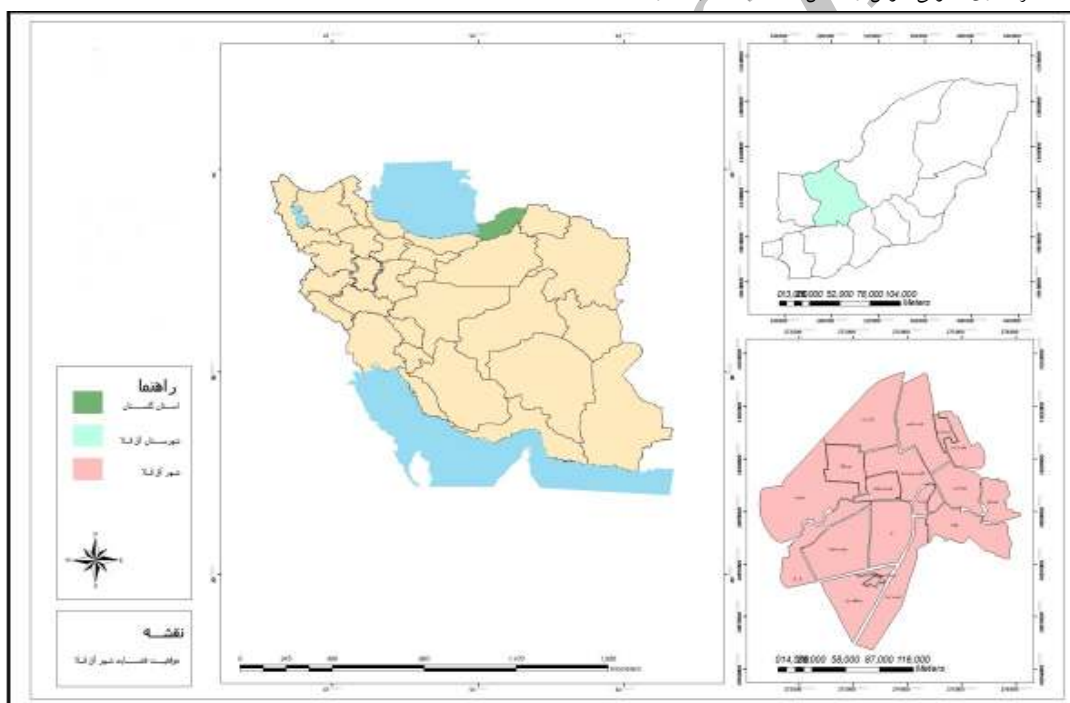
سرپرستان خانوار شهری آق قلا طبق نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۹۰، ۷۹۷۳ تعیین و تعداد نمونه مطابق فرمول کوکران به شرح جدول ۲ محاسبه شد.

جدول ۲: تعداد نمونه‌های تخصیص یافته به نسبت

محلات قدیم و جدید شهر

محلها	تعداد خانوار	تعداد نمونه‌ها
بافت قدیم	۵۱۶۱	۲۰۱
بافت جدید	۲۸۱۲	۱۱۹
کل	۷۹۷۳	۳۲۰

مأخذ: سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۹۰ و محاسبه نگارنده



شکل (۱): نقشه موقعیت فضایی منطقه مورد مطالعه

۳- تحلیل یافته‌ها

بررسی عوامل اجتماعی و فرهنگی در شکل‌گیری واحدهای همسایگی: یکی از عوامل شکل‌گیری یک محدوده‌ی مسکونی شهری و به دنبال آن ایجاد محلات با ویژگی‌های

مختلف عامل میزان اقبال از آن محدوده شهری است. این عامل می‌تواند به دلایل مختلفی رخ دهد. افراد برحسب نیازها و دلایل و شرایط مختلف، محلی را برگزیده و به آن نقل مکان و محله‌هایی با شرایط متفاوت را به وجود می‌آورند. برای بررسی میزان

وجود آمدن محلات و واحدهای همسایگی در شهر آق قلا با توجه به فرهنگ قوم ترکمن و همچنین تاثیر عواملی است که از بیرون وارد فرهنگ قوم ترکمن شده، است.

تاثیر عوامل مختلف و موثر بر میزان اقبال از محلات هدف از آزمون کای اسکوتر استفاده شده است. طبق جدول ۴ مقدار کای اسکوتر برای همه ی موارد تا سطح ۰.۹۹٪ معناداری رادر محلات هدف نشان می‌دهد. این امر نشان‌دهنده‌ی تاثیر این عوامل در به

جدول ۴: مقایسه عوامل موثر در اقبال از محلات شهری با استفاده از آزمون کای اسکوتر یک طرفه

میانگین رتبه‌ای	نام محلات	ضریب معناداری	درجه آزادی	Chi-square	مؤلفه
۱.۶	بافت قدیم	۰/۰۰۰ (**)	۳	۲۵۲/۳۲۵	نزدیکی به اقوام
۱.۸	بافت جدید				
۱.۵	بافت قدیم	۰/۰۰۰ (**)	۳	۲۵۲/۳۲۵	نواع و دشمنی
۱.۸	بافت جدید				
۲.۷	بافت قدیم	۰/۰۰۰ (**)	۴	۶۹/۹۰۶	زمینه شغلی
۳.۶	بافت جدید				
۲.۴	بافت قدیم	۰/۰۰۰ (**)	۴	۱۱۲/۷۵۰	موقعیت محلات
۳.۶	بافت جدید				

مأخذ: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۳ (***) معناداری در سطح ۰.۹۹٪ معناداری در سطح ۰.۹۵٪ عدم معناداری (NS)

منظر فرهنگی، از آزمون کای اسکوتر استفاده شد. طبق داده‌های جدول ۵، همه ی مؤلفه‌های مورد بررسی تا سطح ۰.۹۹٪ معناداری را نشان می‌دهند. این امر حاکی از تاثیر عوامل فوق در شکل‌گیری محلات با توجه به ویژگی‌های اجتماعی و فرهنگی است.

همانطوریکه در سطور پیشین بیان شد عوامل مختلفی در شکل‌گیری واحدهای همسایگی در شهرهای ترکمن نشین وجود دارد. عامل طایفه ایی و حمایت‌های درون گروهی و فرهنگی یکی از مهمترین این شاخص‌ها در است. برای بررسی این شاخص یعنی عوامل موثر در شکل‌گیری محلات از

جدول ۵: مقایسه عوامل موثر در علل شکل‌گیری محلات با استفاده از آزمون کای اسکوتر یک طرفه

ردیف	مؤلفه	Chi-square	درجه آزادی	ضریب معناداری	نام محلات	میانگین رتبه‌ای
۱	قومی قبیله‌ای	۱۳/۹۰۶	۴	۰/۰۰۸ (**)	بافت قدیم	۳.۴
۲	ادغام روستا با شهر	۱۱۶/۳۰۰	۳	۰/۰۰۰ (**)	بافت جدید	۱.۸
					بافت قدیم	۲.۵
۳	مهاجرت از روستا به شهر	۱۱۴/۰۶۳	۴	۰/۰۰۰ (**)	بافت قدیم	۳.۴
					بافت جدید	۴.۵
۴	وجود اماکن مذهبی	۱۸۵/۷۱۹	۴	۰/۰۰۰ (**)	بافت قدیم	۲.۰۷
					بافت جدید	۲.۹
۵	وجود عناصر کالبدی	۷۰/۳۷۵	۴	۰/۰۰۰ (**)	بافت قدیم	۲.۰۲

مأخذ: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۳ (***) معناداری در سطح ۰.۹۹٪ معناداری در سطح ۰.۹۵٪ عدم معناداری (NS)

ترکمن‌نشین همچون آق قلا وجود دیوار اطراف محلات و واحدهای مسکونی کمتر مشاهده می‌شد. به نظر می‌رسد مردم ترکمن وجود آن را نوعی

یکی از عواملی که در ایجاد امنیت یک محله و یا واحد مسکونی می‌تواند تاثیر گذار باشد وجود دیوار یا حصار در اطراف آن است. در محلات

جدایی از دوستان، اقوام و همسایه‌های دانستند. اگر چه این موضوع در گذر زمان با تغییر صورت بندیهای اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و امنیتی کم رنگ شده و عناصر تشکیل دهنده واحدهای مسکونی شهرها و محلات ترکمن نشین همسو با سایر محلات و شهرها شده است اما همچنان این منظر را می‌توان در شهرهای ترکمن نشین مشاهده کرد. برای بررسی و آزمون این پرسش از آزمون کای

اسکوئر استفاده گردید که نتایج به دست آمده در جدول ۶ نشان می‌دهد داشتن اعتماد و امنیت از جانب همسایه‌ها، داشتن رابطه فامیلی همچنین نداشتن بودجه‌ی لازم جهت ایجاد حصار تا سطح ۹۹٪ معناداری را نشان می‌دهد و در موارد تعلق خاطر به نظام عشیره‌ای و دارا بودن پوشش مناسب بانوان عدم معناداری را نشان می‌دهد.

جدول ۶: مقایسه عوامل موثر در نداشتن دیوار با استفاده از آزمون کای اسکوئر یک طرفه

میانگین رتبه‌ای	نام محلات	ضریب معناداری	درجه آزادی	Chi-square	مؤلفه
۴.۱	بافت قدیم	۰/۰۰۰ (**)	۳	۳۸/۷۱۴	داشتن اعتماد و امنیت از جانب همسایه‌ها
۳.۵	بافت جدید				
۴.۱	بافت قدیم	۰/۰۰۰ (**)	۲	۲۳/۰۲۹	داشتن رابطه فامیلی
۳	بافت جدید				
۳.۵	بافت قدیم	۰/۰۹۰ (NS)	۳	۶/۴۸۶	تعلق خاطر به نظام عشیره‌ای
۳.۵	بافت جدید				
۴.۶	بافت قدیم	۰/۱۲۸ (NS)	۱	۲/۳۱۴	رعایت پوشش سنتی
۴	بافت جدید				
۲.۷	بافت قدیم	۰/۰۰۰ (**)	۴	۴۳/۱۴۳	فقدان بودجه جهت ایجاد دیوار
۴	بافت جدید				

مأخذ: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۳ (***) معناداری در سطح ۹۹٪ (*) معناداری در سطح ۹۵٪ (NS) عدم معناداری

همچنین به منظور بررسی و ارزیابی دلایل نداشتن دیوار در سطح محلات مورد مطالعه از آزمون مان ویتنی استفاده شده است، همان‌گونه که جدول ۷ نشان می‌دهد، تنها در متغیر داشتن رابطه فامیلی، تا

سطح ۹۹٪ معناداری را نشان می‌دهد و در سایر متغیرها معناداری وجود ندارد. یعنی تفاوتی محسوس بین نظر خانوارهای ساکن محلات قدیم و جدید از این منظر وجود ندارد.

جدول ۷: مقایسه عوامل موثر در نداشتن دیوار در محلات قدیم و جدید با استفاده از آزمون مان ویتنی

میانگین رتبه‌ای	نام محلات	ضریب معناداری	mann-whitney	مؤلفه
۲.۶	بافت قدیم	۰/۱۲۸ (NS)	۱۵/۵۰۰	داشتن اعتماد و امنیت از جانب همسایه‌ها
۲.۶	بافت جدید			
۳.۴	بافت قدیم	۰/۰۰۵ (**)	۲/۰۰۰	داشتن رابطه فامیلی
۳.۶	بافت جدید			
۲.۳	بافت قدیم	۰/۹۷۰ (NS)	۳۲/۵۰۰	تعلق خاطر به نظام عشیره‌ای
۲.۲	بافت جدید			
۳.۹	بافت قدیم	۰/۰۶۲ (NS)	۱۱/۰۰۰	دارا بودن پوش مناسب بانوان
۳.۸	بافت جدید			
۳.۳	بافت قدیم	۰/۰۹۵ (NS)	۱۲/۵۰۰	نداشتن بودجه جهت ایجاد دیوار
۳.۱	بافت جدید			

مأخذ: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۳ (***) معناداری در سطح ۹۹٪ (*) معناداری در سطح ۹۵٪ (NS) عدم معناداری

اسکوئر استفاده شده است. بر این اساس متغیرهای بررسی شده مندرج در جدول ۸، تا سطح ۹۹٪ معناداری را نشان می‌دهند.

در جدول شماره ۸، توزیع فراوانی عوامل موثر در انتخاب محل زندگی را در محلات شهر آق قلا نشان می‌دهد. برای بررسی این پرسش نیز از آزمون کای

جدول ۸: مقایسه عوامل موثر در انتخاب محل سکونت با استفاده از آزمون کای اسکوئر یک طرفه

مؤلفه	Chi-square	درجه آزادی	ضریب معناداری	نام محلات	میانگین رتبه‌ای
ارزان بودن زمین و مسکن	۴۰۲/۰۹۴	۴	۰/۰۰۰ (**)	یافت قدیم	۲/۶
				یافت جدید	۲/۶
نزدیکی به محل کار	۲۷۵/۰۹۴	۴	۰/۰۰۰ (**)	یافت قدیم	۳/۴
				یافت جدید	۳/۶
ازدواج	۵۲۹/۰۰۰	۴	۰/۰۰۰ (**)	یافت قدیم	۲/۳
				یافت جدید	۲/۲
دسترسی به خدمات شهری	۳۰۰/۰۷۵	۳	۰/۰۰۰ (**)	یافت قدیم	۳/۹
				یافت جدید	۳/۸
تحصیل فرزندان	۲۳۰/۳۷۵	۴	۰/۰۰۰ (**)	یافت قدیم	۳/۳
				یافت جدید	۳/۱
نزدیکی به خویشاوندان	۵۰/۷۲۷	۴	۰/۰۰۰ (**)	یافت قدیم	۳/۵
				یافت جدید	۲/۵
امنیت	۲۰۶/۷۱۹	۴	۰/۰۰۰ (**)	یافت قدیم	۴
				یافت جدید	۳/۸

مأخذ: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۳ معناداری در سطح ۹۹٪ (**). معناداری در سطح ۹۵٪ (NS). عدم معناداری

مشاهده می‌شود در مؤلفه‌های نزدیکی به محل کار و تحصیل فرزندان تا سطح ۹۵٪ معناداری را نشان می‌دهد؛ و همچنین در مؤلفه‌های نزدیکی به خویشاوندان و اقوام و امنیت تا سطح ۹۹٪ معناداری مشاهده می‌شود.

به منظور بررسی عوامل موثر در انتخاب محل سکونت در بین دو محله با بافت قدیم و جدید از آزمون ناپارامتری مان ویتنی استفاده گردید. آزمون مان ویتنی برای محاسبه تفاوت‌های موجود در بین دو گروه، مقادیر مربوط به هر دو نمونه را به صورت یکجا رتبه بندی می‌کند. همچنان که از جدول ۹

جدول ۹: مقایسه عوامل موثر در انتخاب محل سکونت در محلات قدیم و جدید با استفاده از آزمون مان ویتنی

مؤلفه	mann-whitney	ضریب معناداری	نام محلات	میانگین رتبه‌ای
ارزان بودن زمین و مسکن	۱۱۶۲۳/۰۰۰	۰/۶۲۶ (NS)	یافت قدیم	۲/۶
			یافت جدید	۲/۶
نزدیکی به محل کار	۱۰۳۱۴/۵۰۰	۰/۰۲۴ (*)	یافت قدیم	۳/۴
			یافت جدید	۳/۶
ازدواج	۱۰۸۶۷/۵۰۰	۰/۰۹۹ (NS)	یافت قدیم	۲/۳
			یافت جدید	۲/۲
دسترسی به خدمات شهری	۱۰۹۵۹/۵۰۰	۰/۱۳۹ (NS)	یافت قدیم	۳/۹
			یافت جدید	۳/۸
تحصیل فرزندان	۱۰۴۶۷/۵۰۰	۰/۰۴۵ (*)	یافت قدیم	۳/۳
			یافت جدید	۳/۱
نزدیکی به خویشاوندان	۵۵/۴/۵۰۰	۰/۰۰۰ (**)	یافت قدیم	۳/۵
			یافت جدید	۲/۵
امنیت	۸۷۵/۰۰۰	۰/۰۰۰ (**)	یافت قدیم	۴
			یافت جدید	۳/۸

مأخذ: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۳ معناداری در سطح ۹۹٪ (**). معناداری در سطح ۹۵٪ (*). عدم معناداری

یکی از شرایطی که زندگی در یک محل را جذاب می‌سازد امنیت است. به گونه ای که در جدول ۱۰ می‌شاهد می‌شود میزان امنیت در بافت قدیم دارای میانگین ۴.۳ و در محلات جدید ۳.۶ است.

جدول ۱۰: توزیع فراوانی پاسخ‌گویان به عامل امنیت در انتخاب محل زندگی

میانگین رتبه‌ای	میزان اثر					مؤلفه‌ها
	خیلی زیاد	زیاد	تا حدی	کم	خیلی کم	
	فراوانی	فراوانی	فراوانی	فراوانی	فراوانی	
۴.۳	۷۹	۱۱۵	۷		۲	بافت قدیم
۳.۶	۱۸	۶۱	۲۶	۱۱	۳	بافت جدید

مأخذ: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۳

پاسگاه‌های انتظامی و روشنایی با میزان رضایت از امنیت در محله، همبستگی معناداری در سطح ۹۵٪ وجود دارد. در سایر متغیرها رابطه و همبستگی قابل توجه‌ایی مشاهده نمی‌شود.

به منظور بررسی رابطه بین میزان رضایت پاسخ‌گویان از امنیت محله و عوامل موثر در ایجاد امنیت از آزمون اسپیرمن استفاده شده است همانگونه که در جدول ۱۱ مشاهده می‌شود، بین وجود

جدول ۱۱: مقایسه عوامل موثر در امنیت محله در محلات قدیم و جدید با استفاده از آزمون اسپیرمن

میانگین رتبه‌ای	نام محلات	ضریب معناداری	espearman	مؤلفه
۳.۸	بافت قدیم	۰/۰۴۷ ^(*)	۰/۰۱۲	روشنایی
۳.۶	بافت جدید			
۳.۵	بافت قدیم	۰/۲۲۹ ^(NS)	-۰/۰۶۷	رفت و آمد زیاد
۳.۸	بافت جدید			
۳.۴	بافت قدیم	۰/۹۲۹ ^(NS)	۰/۰۰۵	شکل و تناسب کوچه و محله
۳.۲	بافت جدید			
۴.۰۷	بافت قدیم	۰/۰۴۳ ^(*)	۰/۱۱۳	وجود پاسگاه‌های انتظامی
۴.۳	بافت جدید			
۴.۲	بافت قدیم	۰/۳۲۵ ^(NS)	-۰/۰۵۵	رابطه‌ی خویشاوندی
۴.۱	بافت جدید			
۴.۳	بافت قدیم	۰/۷۶۶ ^(NS)	-۰/۰۱۷	حصارکشی دور منزل
۴.۳	بافت جدید			

مأخذ: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۳^(**) معناداری در سطح ۹۹٪^(*) معناداری در سطح ۹۵٪^(NS) عدم معناداری

اسکوئر یک طرفه استفاده گردید. همانگونه که در جدول ۱۲ مشاهده می‌شود برای تمام متغیرها تا سطح ۹۹٪ معناداری بدست آمده است. این امر نشان دهنده ی تاثیر عامل مشارکت در ایجاد واحدهای همسایگی در محلات مورد مطالعه محسوب می‌شود.

مشارکت به معنای درگیر شدن بسیار نزدیک مردم در فراگردهای اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی بر زندگی آنان است، میزان مشارکت افراد در جامعه مردم سالار بر اساس خواست خود آنان و با عیارشایسته سالاری تعیین می‌شود (ذکایی، ۱۳۷۹: ۳۱). به منظور بررسی این متغیر از آزمون کای

جدول ۱۲: مقایسه میزان مشارکت با استفاده از آزمون کای اسکوئر یک طرفه

مؤلفه	Chi-square	درجه آزادی	ضریب معناداری	نام محلات	میانگین رتبه‌ای
مشکل محله	۳۳۵.۵۷۵	۳	۰/۰۰۰ (**)	بافت قدیم	۳.۶
				بافت جدید	۳.۱
کمک گروهی به نیازمندان محله	۱۹۷.۵۷۵	۳	۰/۰۰۰ (**)	بافت قدیم	۳.۳
				بافت جدید	۳.۴
شرکت در مراسم‌های دینی و مذهبی	۳۵۰.۲۲۵	۳	۰/۰۰۰ (**)	بافت قدیم	۳.۶
				بافت جدید	۳.۵
شرکت در نماز جماعت محله	۴۶۹.۴۵۰	۳	۰/۰۰۰ (**)	بافت قدیم	۳.۸

مأخذ: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۳ (***) معناداری در سطح ۹۹٪ (*) معناداری در سطح ۹۵٪ (NS) عدم معناداری

می‌دهد بین شکل‌گیری واحدهای همسایگی و ویژگی‌های اجتماعی و فرهنگی در محلات قدیم و جدید رابطه‌ی معناداری وجود دارد. تئوری و نظریه‌هایی که در این قالب جای می‌گیرند همچون سلامت روان که بر حفظ ارزش‌ها و سنت‌ها در محلات تاکید دارد و همچنین نظریه‌های مامفورد، ترنر و فیچر، مدیریت شهری و واحدهای همسایگی کلرنس پری که به نحوی مسائل فرهنگی و اجتماعی را همچون، ایجاد انسجام در محله‌ها، تقویت حس مشارکت و همکاری، ارتقاء کیفیت زندگی شهروندان و در نهایت ایجاد آرامش و سلامتی افراد را مد نظر قرار داده‌اند مورد تایید قرار می‌دهد. مولفه‌های مورد بررسی، تفاوت بین محلات قدیم و جدید را در برخی از متغیرهای مورد بررسی نشان می‌دهد. وابستگی خونی و طایفه‌ای و زبانی و نژادی مشارکت و امنیت در محلات قدیمی تر بیشتر از محلات جدید در تشکیل واحدهای همسایگی دخیل بوده و در نتیجه واحدهای همسایگی منسجم تر و با کیفیت تری را شاهد بوده و هستیم. یکی دیگر از نشانه‌هایی را که در شهرهای ترکمن نشین وجود دارد و همچنان مشاهده می‌شود عدم وجود حصار و دیوار حائل بین فضای

با توجه به نتایج حاصل از آزمون‌های مطرح شده چون کای اسکوئر، اسپیرمن و مان ویتنی در زمینه‌ی نحوه‌ی شکل‌گیری واحدهای همسایگی در محلات هدف از نظر شاخص‌های اجتماعی و فرهنگی نشانگر این مهم است که بین تشکیل واحدهای همسایگی و شاخص‌های اجتماعی و فرهنگی رابطه‌ی معناداری وجود دارد.

۴- نتیجه‌گیری

در این تحقیق رابطه تشکیل واحدهای همسایگی در شهرهای ترکمن نشین مورد آق‌قلا را با عوامل و متغیرهای مختلف اثر گذار به ویژه متغیرهای اجتماعی و فرهنگی مورد سنجش و بررسی قرار گرفت. این مطالعه و سنجش به سبب تفاوت‌های احتمالی در بافت محلات مختلف شهر به ویژه از منظر سابقه تشکیل، در محله‌های قدیم و جدید بصورت تطبیقی مورد ارزیابی و بررسی قرار گرفت. بر این اساس، متغیرهایی همچون: چالش‌ها و تنگناهای فراروی واحدهای همسایگی، عوامل موثر بر اقبال از محلات، عوامل موثر بر شکل‌گیری محلات، انتخاب محل سکونت، عوامل موثر در ایجاد امنیت و همچنین دلایل نداشتن دیوار در محلات مورد توجه قرار گرفت. مطالعات میدانی نشان

اکبریان، رضا (۱۳۸۶)، بررسی نقش فرهنگ در اقتصاد، ماهنامه مهندسی فرهنگی، سال ۲ شماره ۱۲، تهران.

بحری مقدم، عباس و شهرام یوسفی فر (۱۳۹۲)، عوامل اجتماعی، فرهنگی محله در شهرهای ایرانی اسلامی و کارکردهای آن، تاریخ و تمدن اسلامی، سال نهم.

بصیری مزدهای، رضا، (۱۳۸۸)، برنامه‌ریزی و طراحی برای پیاده‌ها، تهران انتشارات طحان.
پاکزاد، جهانشاه، (۱۳۷۰)، «واحد همسایگی، شهرسازی و توسعه پایداری»، مجله رهیافت، ش ۷۱.

پری، کلرنس آرتور (۱۹۲۹) واحد همسایگی، ترجمه‌ی کیانوش ذاکر حقیقی، ماهنامه‌ی شمس، شماره‌ی ۳۵ و ارگان شورای مرکزی سازمان نظام مهندسی کشور تهران ۱۳۸۶.

توسلی، محمود (۱۳۶۷)، اصول و روشهای طراحی شهری و فضاهای مسکونی در ایران جلد اول، چاپ چهارم، مرکز مطالعات توسلی، محمود (۱۳۸۱)، ساخت شهر و معماری در اقلیم گرم و خشک، انتشارات پیام نور، تهران.
حبیبی، سید حسن (۱۳۷۵) از شار تا شهر، تحلیلی تاریخی از مفهوم شهر و سیمای کالبدی آن. تفکر و تائر، انتشارات دانشگاه تهران.

خاوری، زهرا (۱۳۹۰)، بررسی تاثیر شاخص سرمایه‌های اجتماعی بر وضعیت اقتصادی محله، مطالعه موردی محله طلاب، دو فصلنامه مدیریت شهری.

دهخدا، علی اکبر، (۱۳۵۷)، لغت‌نامه دهخدا، تهران: انتشارات مؤسسه دهخدا.

واحدهای مسکونی است. این عامل که ویژگی خاصی کالبدی برای واحدهای همسایگی شهرهای ترکمن نشین ایجاد میکند. متاثر از عوامل اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی است. نکته مهمی که در پژوهش حاضر بر آن تاکید شد.

۵- پیشنهادها

- دیده شدن تفاوت‌های فضایی- مکانی شهرها در برنامه ریزی‌های شهری از جمله طرح‌های هادی و جامع شهری

- ارزیابی دقیق اهداف، سنن، و ارزشهای انسانی گروه‌های ساکن شهری به ویژه تبیین تفاوت‌های موثر در شکل‌گیری واحدهای همسایگی

- ظرفیت‌سازی و برنامه ریزی واحدهای همسایگی با توجه به عواملی که باعث شکل‌گیری این محلات شده است

- تقویت حس همسایگی در برنامه‌ریزی در محلات جدید.

- شهرهای ترکمن نشین دارای بافت اجتماعی، فرهنگی و کالبدی متفاوتی هستند. این تفاوت بعضاً بر اساس ارزشهای محلی و دینی مثبتی استوار است. در برنامه ریزی این شهرها بصورت خاص به واحدهای همسایگی و توسعه شهری توجه شود

منابع

اردشیری، مهیار (۱۳۸۸)، مروری بر مفهوم واحد همسایگی از محلات کهن خودبسند تا همستان‌های در وازه دار، سازمان نظام مهندسی ساختمان استان فارس، شماره ۵۹-۶۰.

لینچ، کوین (۱۳۷۶) سیمای شهر، ترجمه‌ی دکتر منوچهر مزینی، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ ششم، تهران.

میر مقتدایی، مهتا (۱۳۸۴) تدوین معیارهای شناخت و ارزیابی هویت کالبدی شهرها (نمونه موردی تهران) رساله دکتری شهرسازی، دانشکده هنرهای زیبا، دانشگاه تهران.

Barton, Hugh, et al, 2004, "Shaping neighborhoods: a guide for health.

Fridman.John(1993),"Toward a Non-Euclidian Mode of Planning-APA Journal", Autumn - 482.

Imbet m. de lauwe c.(1982), la banlieue augourdhui. Lharmattan , paris.

Kayser b. (1979), petites vallies et pays dans laménagement rural. Cnrs, paris

Madanipour, A. (2001),"How relevant is 'planning by neighbourhoods' today?", in Town PlanningReview, 72 (2).

Oaña,J.R(2001), A Community-based Approach for Sustainable Urban Renewal in Manila in websitewww. csur.f.u-tokyo.ac.jp/ws2004/papers/B6-Oana.pdf.

pellgrinop. Bernard p.(1983), escape et culcure. Ed. George saint-saphion, Suisse.

Rohe. .wilia Wm. M(2009), From Local to Global, one Hundred Years of Neighborhood Planing, jornal of the American Planing Association, Vol.75, No.2. PP. 209-230

Keller, suzun (1968). Urban neighbourhood, Newyork.Random House..

ربانی، رسول (۱۳۸۵)، جامعه‌شناسی شهری، اصفهان، دانشگاه اصفهان، چاپ دوم.

رفعیان، مجتبی (۱۳۸۹)، بازآفرینی شهری و رویکرد ایجاد و توسعه ی محلات سنتی شهری (DTN)، نشریه ی اینترنتی نوسازی، سال، دوم شماره ۸. سلطان‌زاده، حسین (۱۳۶۲) روند شکل‌گیری شهر و مراکز مذهبی در ایران، انتشارات آگاه.

سلطان‌زاده، حسین (۱۳۶۸) محله‌ها و واحدهای مسکونی در ایران در محمد یوسف کیانی، شهرهای ایران، انتشارات جهاد دانشگاهی، تهران.

شیرانی، حسین (۱۳۸۲)، ساماندهی مکان، چاپ اول، انتشارات آذرخش، تهران.

صدیق سروستانی، رحمت اله، نوروز نیمروزی (۱۳۸۹)، بررسی ارتباط بین مشارکت در روابط همسایگی و احساس امنیت در محلات شهر مشهد، فصلنامه دانش انتظامی، سال دوازدهم، شماره دوم.

فاضل نیا، غریب و همکاران (۱۳۸۹)، ارزیابی برنامه‌های توسعه‌ی فرهنگی در مناطق روستایی بخش مرکزی شهرستان رستم، فصلنامه تحقیقات فرهنگی، دوره ۳، ش ۳.

فری، هیلدر براند (۱۳۸۳)، طراحی شهری، به سوی یک شکل پایدارتر شهر، ترجمه سید حسین بحرینی، پردازش و برنامه ریزی شهری، تهران.

فلامکی، محمد منصور (۱۳۷۴) باز زنده سازی بناها و شهرهای تاریخی، چاپ سوم، دانشگاه تهران، تهران.